

قانون گذاری در عرصه دیجیتال و برنامه توسعه پایدار (با تأکید بر «جمهوری دیجیتال»)

رؤیا معتمدنژاد^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۸، تاریخ تایید: ۹۶/۰۸/۰۴

چکیده

جامعه بین المللی برنامه عمل جدید در حوزه توسعه پایدار تدارک دیده است. همزمان در سال های اخیر، تکنولوژی یا فن آوری های نوین ارتباطات و اطلاعات، پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته اند، اما تکنولوژی به تنهایی کفایت نمی کند و در این زمینه، نیاز به فضای مطلوب و از جمله سیاست گذاری و قانون گذاری مناسب است. در این حوزه، قانون گذاری های جدیدی در عرصه های داخلی، منطقه ای و بین المللی انجام گرفته است. حال سؤال، این است که آیا چارچوب های حقوقی، قادرند تکنولوژی های نوین را در خدمت توسعه در بیاورند؟ در این تحقیق تلاش شده با بررسی تطبیقی به این سؤال پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی: فن آوری های نوین، توسعه پایدار، حقوق دیجیتال، قانون گذاری در عرصه دیجیتال، جمهوری دیجیتال

مقدمه

در ۷ اکتبر سال ۲۰۱۶، فرانسه قانون جدیدی تحت عنوان «جمهوری دیجیتال» به تصویب رساند و به این ترتیب، جمهوری در این کشور مطابق با پیشرفت‌های تکنولوژیک در قرن بیست و یکم در عرصه ارتباطات و اطلاعات، وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد.

بررسی تجربه قانون‌گذاری یاد شده از زوایای مختلف بسیار آموزنده است. گرچه نمی‌توان این تحقیق را فارغ از پدیده جهانی شدن و افزایش درهم‌تنیدگی میان کشورها به انجام رساند. شکی نیست که امروزه سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر ارزش‌ها و دکترین‌های حاکم در فضای جهانی و با توجه به خط‌مشی‌های در نظر گرفته شده در آن، تدارک دیده می‌شوند؛ از جمله ارزش‌هایی نظیر دموکراسی، قانونمندی، حقوق بشر، آزادی رقابت، بازار آزاد، حکومت مطلوب، شفافیت دولت‌ها و ضرورت پاسخگو بودن آنها، مبارزه با فساد و دولت‌باز را می‌توان نام برد.

یکی از اهداف بسیار مهمی که جامعه بین‌المللی تلاش می‌کند تا سال ۲۰۳۰ به آن دست یابد، برنامه توسعه پایدار است. تدارک استراتژی و حقوق برای تکنولوژی‌های نوین نیز نمی‌تواند بدون توجه به ارزش‌ها و سیاست‌های جهانی انجام پذیرد.

بازگو کردن تجربه فرانسه، تنها بهانه‌ای است برای اینکه نشان داده شود چگونه یک کشور قانونمند، دموکراتیک و مدافع حقوق بشر، می‌تواند از طریق سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، چارچوب‌هایی برای تکنولوژی دیجیتال و به‌طور خاص اینترنت، در نظر بگیرد که مسیر را برای تحقق «دولت باز» و فراتر از آن توسعه پایدار هموار سازد. جمهوری دیجیتال مصداق دیگری از دغدغه حقوق جهانی ارتباطات برای فرد بشری است (معمدنژاد، ۱۳۹۵).

تحقیق حاضر، دارای سه بخش است: بخش اول به تکنولوژی‌های دیجیتال در خدمت توسعه، اختصاص یافته؛ بخش دوم به حقوق دیجیتال همسو با توسعه پایدار؛ از بررسی تا ارزیابی پرداخته؛ و بخش سوم، «جمهوری دیجیتال»، نمونه‌ای از قانون‌گذاری در عرصه دیجیتال را مورد بررسی قرار داده است.

تکنولوژی‌های دیجیتال در خدمت توسعه پایدار

با توجه به اینکه تکنولوژی‌های دیجیتال دارای توانایی زیادی هستند و قادرند در تحقق اهداف توسعه پایدار نقش مهمی ایفا کنند، حائز اهمیت است که شرایط و فضای مناسب در این راستا فراهم باشد، که از جمله تدوین قوانین خوب می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. بخش اول شامل سه گفتار است: برنامه توسعه پایدار؛ «منشوری برای بشریت و کره زمین در قرن ۲۱»؛ تقویت

جامعه اطلاعاتی همه‌گیر در جهت پیشبرد اهداف توسعه پایدار؛ و ضرورت ایجاد شرایط و فضای مناسب. گفتار یکم (برنامه توسعه پایدار: «منشوری برای بشریت و کره زمین در قرن ۲۱»)، دارای دو بند است: در بند یکم (از اهداف هزاره برای توسعه تا اهداف توسعه پایدار: «آینده پیش روی بهتر برای همگان»); و در بند دوم، از بیم و امیدها یاد می‌شود.

در بند یکم یادآوری می‌شود که در سپتامبر سال ۲۰۰۰، به مناسبت هزاره جدید اجلاس جهانی سران دنیا در مقر سازمان ملل برپا شد و طی آن قطعنامه‌ای (قطعنامه A/55/L.2) توسط مجمع عمومی به تصویب رسید که اعلامیه‌ای معروف به «اعلامیه هزاره یا اهداف هزاره» برای توسعه برای مدت‌زمان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ را در برداشت (معمدنژاد، ۱۳۸۲: ۶۸).

با به پایان رسیدن موعد ۲۰۱۵ و هم‌زمان با بزرگداشت ۷۰ سالگی تأسیس سازمان ملل متحد، از ۲۵ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵، به‌دنبال اجلاس جهانی سران، مجمع عمومی، قطعنامه‌ای تحت عنوان «دگرگون ساختن جهان معاصر: برنامه توسعه پایدار در چشم‌انداز ۲۰۳۰» (قطعنامه ۱/۷۰) که شامل اهداف جهانی جدیدی معروف به اهداف توسعه پایدار است، به تصویب رساند.

این که «بیلان» اهداف هزاره چه بوده و آیا قسمت پُر لیوان و یا قسمت خالی آن را باید دید، بحث مفصلی است (VERGER, 2015: 20) که در این تحقیق مجالی برای پرداختن به آن نیست. در مورد برنامه عمل جدید که ۱۹۳ کشور آن را به امضا رساندند، گفته می‌شود در تداوم اهداف قبلی بوده با این تفاوت که از ضعف‌های به‌جا مانده، عبرت گرفته شده و حال فراتر از آنها باید پیش رفت. متن یادشده، دارای یک پیش‌گفتار، یک اعلامیه، ۱۷ هدف بلندمدت، ۱۶۹ هدف کوتاه‌مدت و یک بخش مربوط به پیگیری‌های لازم است.

اهداف جدید بعد جهانشمول داشته است و از این پس شامل همه کشورهای (چه توسعه‌یافته چه در حال توسعه)، می‌شود. همچنین، غیرقابل تفکیک بوده و سعی بر ایجاد همزیستی میان سه بُعد توسعه پایدار- اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی- دارد. ریشه‌کنی فقر، گرسنگی و بیماری‌ها، دسترسی همگان به آموزش، بهداشت سلامت و تأمین اجتماعی، آب شرب، تغذیه کافی، ایجاد شرایط برای تحقق حقوق بشر، کرامت انسانی، قانونمندی، عدالت، برابری و عدم تبعیض، برابری زن و مرد، انصاف، تسامح، توسعه اقتصادی همه‌گیر و پایدار؛ به‌نوعی که کار آبرومند برای همگان ایجاد شود و هیچ فردی نیازمند و محروم باقی نماند، توجه به محیط زیست از جمله «پروژه‌هایی» به‌شمار می‌روند که بنا شده تا سال ۲۰۳۰ عملی شوند.

گرچه بدون صلح و بدون امنیت، توسعه پایدار نمی‌تواند شکل بگیرد و برعکس این موضوع نیز صادق است. همچنین، بر ضرورت برقرارکردن جوامع صلح‌آمیز، عادلانه، همه‌گیر؛ جایی که دموکراسی، حکومت مطلوب، حاکمیت قانون، شفافیت و پاسخگو بودن نهادها، حاکم بوده با نابرابری‌ها و فساد مبارزه می‌شود، اصرار بسیاری است. در ضمن، تنوع فرهنگی، احترام متقابل

به فرهنگ‌ها، اخلاق شهروندی جهانی نیز در این میان مورد توجه بوده است. در بحث بیم‌ها و امیدها این نگرانی مطرح می‌شود که آیا ممکن است اهداف جدید به سرنوشت اهداف هزاره، مبتلا شوند. به نظر می‌رسد جامعه جهانی به اهمیت موضوع پی برده باشد و مصمم است این بار مسیر جدید توسعه پایدار را به سلامت طی کند. به علاوه، جامعه مدنی منفعل نخواهد ماند و پیگیر موضوع خواهد بود (VERGER, 2015: 29).

در مسیر یادشده، موانع متعددی قرار گرفته‌اند؛ از جمله فقر و نابرابری‌ها، تبعیض‌ها، بی‌کاری، تغییرات اقلیمی و خشکسالی، تخریب محیط زیست، جنگ‌ها و اختلافات، مهاجرت‌های دسته‌جمعی و تروریسم (برنامه توسعه پایدار، سازمان ملل، ص ۵).

در مقابل، روزنه‌های امید به چشم می‌خورند. در مجموع، فقر کاهش داشته و دسترسی به آموزش برای پسران و دختران بهبود پیدا کرده است. از طرف دیگر، «توسعه تکنولوژی‌های نوین و درهم‌تنیدگی جهانی فعالیت‌ها، این توانایی را دارند تا پیشرفت بشریت را سرعت بخشند، شکاف دیجیتال را کاهش دهند و موجبات شکل‌گیری جوامع معرفتی را فراهم آورند» (همان: ۶).

در گفتار دوم، تقویت جامعه اطلاعاتی همه‌گیر در جهت پیشبرد اهداف توسعه پایدار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند یکم این گفتار، نتایج اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی در پرتو زمان: پیشرفت‌ها و کاستی‌ها؛ و بند دوم به ضرورت تضمین هر چه بیشتر ارتباط میان تکنولوژی‌ها و توسعه پایدار توجه می‌شود.

در بند اول، اشاره می‌شود که اولین بار طی اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی که به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳ در ژنو و ۲۰۰۵ در تونس برگزار شد، بر رابطه تنگاتنگ میان تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات از یک سو و توسعه، از سوی دیگر تأکید شد (معمد نژاد، ۱۳۸۲: ۷۳). به دنبال آن کشورها متعهد شدند تکنولوژی‌ها را در جهت رسیدن به اهداف هزاره، برای توسعه به کار گیرند (مصوبات ژنو - اعلامیه اصول و برنامه عمل - و مصوبات تونس). متعاقب این کنفرانس دو مرحله‌ای، هر ساله تحولات انجام گرفته در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند (www.wsis.org). در سال ۲۰۱۳، به مناسبت دهمین سالگرد اجلاس، یک ارزیابی کامل از نتایج به دست آمده، صورت گرفت (اعلامیه wsis+10).

پیشرفت‌های قابل ملاحظه به عمل آمده از آن تاریخ، بر شمرده شدند. با این وجود، اضافه شد که چالش‌های متعدد، کماکان به قوت خود باقی هستند. اهدافی همچون کاهش شکاف دیجیتال، ایجاد جامعه اطلاعاتی انسان‌محور، همه‌گیر، باز و توسعه‌مدار که هر انسانی بتواند در آن

اطلاعات و دانش را مورد استفاده قرار دهد و یا به اشتراک بگذارد، همچنان محقق نشده‌اند. در بند دوم گفتار دوم این بخش، بر ضرورت تضمین هر چه بیشتر ارتباط میان تکنولوژی‌ها و توسعه پایدار تأکید می‌شود.

سال‌ها از برپایی اجلاس جهانی یادشده می‌گذرد و به موازات در عرصه تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات پیشرفت‌های شگرفی رخ داده است؛ شبکه‌های پهنای باند، تکنولوژی‌های موبایل و شبکه‌های اجتماعی فن‌آوری‌های تلفن همراه امکانات را برای ارتقاء توسعه پایدار و همه‌گیر، صدچندان کرده‌اند. اینها قدرت عجیب تحول و دگرگونی را دارا بوده، به‌عنوان اهرم‌های توسعه اجتماعی اقتصادی شناخته شده‌اند.

در فن‌آوری‌های همراه هر چه شکاف دیجیتال کمتر شود، دسترسی افراد (از جمله افراد آسیب‌پذیر) به تکنولوژی‌ها، به خدمات پهنای باند و خدمات بیشتر شود و آموزش‌های لازم در این خصوص ارائه گردد، بهتر می‌توان به اهداف توسعه پایدار دست پیدا کرد (علامیه + wsis 10).

برنامه توسعه پایدار و اهداف آن مصوب ۲۰۱۵ که قبلاً به آن اشاره شد، آن‌طوری که توقع بود به نقش تکنولوژی‌ها در رسیدن به توسعه نبرداخته است. در حالی که اعلامیه هزاره که اهداف هزاره برای توسعه را دربرداشت، در بخش ۳ (بند آخر)، به این موضوع اختصاص یافته بود. در مقابل، در فضاهای دیگری که اکثر از نهادهای سازمان ملل به‌شمار می‌روند، به‌شدت بر نقش تکنولوژی‌های نوین در راستای دستیابی به اهداف توسعه پایدار تأکید می‌شود؛ توسعه پایداری که از آن به‌عنوان «سرمشق جدید سازمان ملل» یاد می‌شود (VERGER, 2015: 25).

یونسکو، با انجام‌دادن فعالیت‌های متعدد در این زمینه، از جمله با ارائه گزارشی تحت عنوان «تجدید نظر در دیدگاه مربوط به جوامع معرفتی برای صلح و توسعه پایدار» (Mansell (R.), Tremblay (G.), 2013)، دیدگاه قبلی‌اش را در مورد تکنولوژی‌های نوین، به اهداف توسعه پایدار نزدیک‌تر می‌کند. اتحادیه ارتباطات دور (www.itu.org)، موضوع توسعه را محور کارهای خود قرار داده است. کمیسیون پهنای باند برای توسعه - که زیر نظر یونسکو و اتحادیه یادشده فعالیت می‌کند- همان طور که از عنوانش مشخص است، در تلاش است شرایطی فراهم آورد تا پهنای باند در دسترس همگان قرار گیرد و موجبات ارتقاء کیفیت زندگی افراد به‌وجود آید (www.Broadbandcommission.org). گروه سازمان ملل در مورد جامعه اطلاعاتی^۱ در سال ۲۰۱۳ اعلامیه مشترکی در مورد جامعه اطلاعاتی با توجه به برنامه توسعه پایدار بعد از ۲۰۱۵ ارائه می‌دهد. همچنین، مجمع عمومی سازمان ملل تا به حال چندین قطعنامه در مورد

«تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات در خدمت توسعه» تصویب کرده است، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه آزادی بیان نیز به دفعات طی گزارش‌های خود اهداف توسعه را مورد نظر داشته است (قطعه‌نامه ۷۰/۱۸۴ در ۲۲ دسامبر ۲۰۱۵).

در مورد توان زیاد تکنولوژی‌های دیجیتال به‌عنوان «محرک» و «عینیت‌بخش» توسعه و اینکه قادر به پاسخگویی به چالش‌های قرن ۲۱ هستند (اعلامیه مشترک گروه سازمان ملل در مورد جامعه اطلاعاتی در زمینه برنامه توسعه پایدار برای بعد از ۲۰۱۵، ژنو ماه مه ۲۰۱۳)، یک توافق نظر جهانی وجود دارد و از همین رو، تأکید بسیار می‌شود که میان دو برنامه سازمان ملل از یک سو پیگیری نتایج اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی و از سوی دیگر، برنامه توسعه پایدار، تعامل بیشتر و ارتباط تنگاتنگ انجام بپذیرد.^۱ به طوری که برنامه‌ریزی‌ها در زمینه تکنولوژی‌ها و توسعه با یکدیگر همسو، هماهنگ و منسجم باشند و جامعه اطلاعاتی همه‌گیر توسعه انسانی حقوق‌مدار را به دنبال بیاورد.

تکنولوژی‌های نوین روزنه‌های جدیدی را برای حل مسائل توسعه (به‌خصوص در عصر جهانی شدن) گشوده‌اند، موجبات رشد اقتصادی، دربرگیری همه اعضای جامعه، حفظ محیط زیست، ریشه‌کنی فقر، اداره بلایای طبیعی، تقویت حقوق بشر، مبارزه با فساد، تولید کار، ارائه خدمات عمومی با کیفیت، مستقل‌سازی زنان، دسترسی به دانش و آموزش و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان را فراهم آورده‌اند.

گفتار سوم بر ضرورت ایجاد شرایط و فضای مناسب تکیه دارد. در این گفتار، یادآور می‌شود که برای تحقق اهداف توسعه پایدار، وجود تکنولوژی به‌تنهایی کافی نیست و فراهم بودن شرایط مناسب در این زمینه، ضروری است. در این میان، نقش سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری اهمیت بسزایی دارد. در این قسمت، توصیه می‌شود که چارچوب‌های در نظر گرفته شده معتبر، قابل پیش‌بینی، شفاف، بدون تبعیض، مشوق رقابت، نوآوری، رشد و توسعه بوده، با مشورت با آحاد جامعه تدوین شوند. جامعه اطلاعاتی را مورد توجه قرار دهند که انسان‌محور و همه‌شمول باشد، همگان از افراد محروم و آسیب‌پذیر، تا افراد بومی و زنان بتوانند به‌صورت برابر با دیگر اقشار جامعه از مزایای تکنولوژی‌ها از جمله فن‌آوری همراه و پهنای باند برخوردار و در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی توانمند، موفق شوند سرنوشت خود را در دست بگیرند و مستقل شوند (اعلامیه نهایی 10 Wsis + 2013).

«دنیای دیجیتال» مبتنی بر دموکراسی، حقوق بشر و قانونمندی (راهبرد شورای اروپا برای

۱- ده سال بعد از اجلاس جهانی، اعلامیه Wsis+10، ۲۰۱۳ و همچنین قطعه‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل ۲۲ دسامبر ۲۰۱۵ در مورد «تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات در خدمت توسعه» و غیره ...

سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۹، ۳۰ مارس ۲۰۱۶)، توأم با اعتماد و امنیت، در عین حالی که به حمایت از حقوق کاربران می‌پردازد، بخش خصوصی را به فعالیت و سرمایه‌گذاری و نوآوری ترغیب می‌کند.

همسویی حقوق دیجیتال با توسعه پایدار

بخش دوم با عنوان، حقوق دیجیتال هم‌سو با توسعه پایدار، به بررسی و ارزیابی اختصاص دارد. تجربه نشان داده است که در زمینه تکنولوژی‌های نوظهور، مقررات‌گذاری‌های لازم با تأخیر انجام می‌پذیرند. در مورد تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و به‌طور خاص اینترنت نیز این موضوع به‌وضوح به‌چشم می‌خورد. در حالی که در ابتدا تردید و سردرگمی وجود داشت، در سال‌های اخیر، روند نظم و ترتیب‌دادن به فضای اینترنتی سرعت گرفته و تلاش و ممارست در این زمینه، جالب توجه است.

بخش دوم، در سه گفتار؛ حقوق دیجیتال، فضای نوین، و حقوق دیجیتال در راستای اهداف توسعه پایدار را بررسی می‌کند. حال باید دید که قانونگذاری‌ها تا چه حد با اهداف برنامه توسعه پایدار مطابق و هماهنگ هستند.

در گفتار یکم، حقوق دیجیتال به‌عنوان کارگاه عظیم چارچوب‌گذاری معرفی می‌شود. بر این اساس، اینترنت فضایی است فرامرزی که موجبات انفجار داده‌ها را فراهم آورده، پدیده همگرایی را به‌دنبال دارد. راهبری آن توسط دست‌اندرکاران متعددی انجام می‌پذیرد، بازیگران جدیدی به‌خصوص از بخش خصوصی، قد علم کرده و در آن ایفای نقش می‌کنند. گفته می‌شود که این فضا دوگانه است؛ از یک‌سو آثار مثبت و از سوی دیگر، آثار منفی در پی دارد (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه، «دیجیتال و حقوق بنیادی»، ۲۰۱۴). به‌عنوان موتور اقتصاد و در نهایت موتور توسعه پایدار از آن یاد می‌شود (آیین‌نامه نوامبر ۲۰۱۵ مصوب اتحادیه اروپا در مورد «اینترنت باز»).

ضرورت ایجاد قانونمندی در آن، دیگر محل تردید نیست، اما بدون مرز بودن آن و نیز تنوع و تعدد منافع گاه متضاد مطرح در این فضای به‌ظاهر بی‌در و پیکر، تدارک حقوق اینترنت را سخت و پیچیده کرده است. قبلاً گفته شده است که حقوق اینترنت خصوصیات حقوق جهانی را دارد و حقوقی تلفیقی و مرکب از هنجارهای سخت و نرم است (معمدنژاد، ۱۳۹۵: ۹۵).

فضاهای متعدد و متنوع، از سطوح داخلی تا منطقه‌ای و بین‌المللی، کارگاه‌گونه به تکاپو افتاده‌اند و در تولید حقوق اینترنت، ایفای نقش می‌کنند. که در این میان می‌توان به دولت‌ها از جمله قوای مقننه، قضات و رگولاتورها، سازمان‌های منطقه‌ای نظیر شورای اروپا، اتحادیه اروپا، سازمان ملل، اتحادیه ارتباطات دور، یونسکو، اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی،

فروم برای راهبری اینترنت، گزارشگر ویژه آزادی بیان، شرکت‌های خصوصی نظیر آی‌کان^۱، ارائه‌کنندگان خدمات دسترسی به اینترنت و ارائه‌کنندگان محتوا اشاره کرد که البته در این بین، بعضی فعال‌تر عمل می‌کنند.

از مجموع تلاش‌های انجام‌گرفته، می‌توان یک روند همسو را در عرصه چارچوب‌گذاری برای اینترنت مشاهده کرد. برای فضای نوین، ابتدا اصول پایه‌ای «میراث» گونه در نظر گرفته شده (معمدزاد، ۱۳۹۵: ۵۹) و سپس تأکید سفت و سخت، بر تقویت حقوق کاربران بوده است. البته، منافع دیگری نیز مطرح هستند از جمله منافع دولت‌ها از یک طرف و منافع بخش خصوصی از طرف دیگر.

اما از آنجا که اولین دغدغه، تأمین هر چه بهتر حقوق کاربران است، سعی بر این شده است که قبل از هر چیز نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌ها از یکدیگر تفکیک و مشخص شوند. در نهایت، ایجاد تعادل میان منافع متعدد و متضاد از اولویت‌ها در فضای یادشده است.

گفتار دوم بخش دوم بر فضای نوین، حقوق بنیادی فرد بشری و ضرورت نوآوری تأکید دارد. تکنولوژی‌های دیجیتال و به‌طور خاص اینترنت، دارای توانایی‌های زیادی در جهت رشد و پیشرفت هستند و نوآوری‌های متعددی را به‌دنبال می‌آورند، اما سؤال اینجاست که چه‌طور می‌توان در این فضای نوین، شرایطی را فراهم آورد که به موازات نوآوری‌ها، به حقوق بنیادی افراد نیز احترام گذاشته شود.

صحبت از ایجاد «همزیستی» میان نوآوری از یک‌سو و حمایت از حقوق بنیادی از سوی دیگر است (Geffray, 2016: 8). جالب‌تر اینکه در جوامع دموکراتیک، موضوع، به‌گونه دیگری مطرح می‌شود؛ پیش‌شرط نوآوری، وجود یک فضای اخلاقی و حقوقی توأم با اعتماد است. به بیان دیگر، اگر حقوق و آزادی‌های افراد رعایت شوند، امنیت حقوقی بخش خصوصی نیز تأمین گردد و دولت‌ها هم به حقوق و وظایف خود واقف باشند، آن اعتماد لازم در جامعه دیجیتال برقرار می‌شود و فعالیت‌های اجتماعی، تجاری و اقتصادی هم رونق پیدا می‌کنند.

قانونگذاری‌ها و هنجارسازی‌ها نیز در همین راستا انجام گرفته‌اند. به‌همین سبب است که در سطح اتحادیه اروپا، متوجه شدند «بازار مشترک دیجیتال» تنها هنگامی شکوفا می‌شود که بتوان اعتماد کاربران را جلب کرد. در نتیجه، از سال ۲۰۱۲ به این فکر افتادند که حمایت از داده‌های شخصی افراد را تقویت کنند و به‌همین جهت، آیین‌نامه جدیدی در این زمینه، در سال ۲۰۱۶ به تصویب رساندند که جایگزین مصوبه قبلی ۱۹۹۵ شد؛ آیین‌نامه‌ای که ارزش بالاتری نسبت به دستورالعمل قبلی دارد.

1- ICONS= The Internet Corporation for Assigned Names and Numbers

در بند یکم گفتار دوم بخش دوم تأکید می‌شود که حق برخورداری از حمایت داده‌های شخصی «حق زیربنایی»^۱ است. از این نظر، اولین و مهم‌ترین دغدغه در حقوق اینترنت، تأمین حقوق افراد است (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا مصوب سال ۲۰۱۶ در مورد «آزادی اینترنت»). نه تنها ضرورت حمایت از حقوق و آزادی کاربران مورد نظر است، بلکه هدف توانمند کردن آنهاست؛ به نوعی که قادر شوند به صورت «شهروندان اینترنتی» فعال و واقف به حقوق و مسئولیت‌های خود در آیند (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا مصوب سال ۲۰۱۶ در مورد «اینترنت شهروندان»).

اکثر اصول پایه در حقوق اینترنت - که تعداد زیادی از آنها اولین بار در دل سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یا توسط قضات مستقل شکل گرفته‌اند-، ایده حمایت از فرد بشری را دنبال می‌کنند؛ از جمله می‌توان از اصولی نظیر اینترنت به‌عنوان منبع عمومی جهانی، اینترنت به‌عنوان خدمت عمومی، اصل بی‌طرفی اینترنت، حق دسترسی به اینترنت، آزادی اینترنت، جهانشمولی اینترنت و ضرورت حفظ تمامیت آن نام برد. اما، در میان حقوق و آزادی‌های بنیادی افراد مطرح در فضای نوین، حقی به‌عنوان «حق زیربنایی» شناخته شده است (Geffray, 2016: 8)؛ حقی که پیش‌شرطی برای دیگر حقوق به‌شمار رفته یا همان «حق برخورداری از حمایت داده‌های شخصی» است (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه، همان). در عصر انفجار داده‌ها و تبعاتی که این امر می‌تواند به‌همراه داشته باشد، کاملاً منطقی است که اولین اقدامات در جهت حمایت هرچه قوی‌تر از داده‌های شخصی افراد انجام پذیرد. نه تنها سعی بر این است که حق مذکور از حق دیگری، یعنی «حق برخورداری از زندگی خصوصی»، کاملاً تفکیک شود، بلکه تلاش شده است تا از مفهوم تدافعی به‌صورت حقی با محتوای مثبت درآید (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه، همان). در این راستا، به‌جای «حق بر حمایت از داده‌های شخصی»، مفهوم جدیدتری، تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت برای داده‌های شخصی» (یا اطلاعات شخصی)، به‌کار گرفته شود؛ به این معنا که فرد بر داده‌های شخصی‌اش تسلط و کنترل داشته باشد و خود در مورد انتقال و یا استفاده از آنها تصمیم می‌گیرد. البته این مفهوم اولین بار در سال ۱۹۸۳ توسط دیوان عالی فدرال آلمان ابداع شده و هم‌و غم آن، تقویت «برتری» فرد است. به‌دنبال این مفهوم، حقوق جدید دیگری نیز شکل می‌گیرند؛ از جمله حق بر فراموشی یا حق پس گرفتن داده‌ها. همان‌طور که در بالا گفته شد، تحولات یادشده را بیشتر در سطح حقوق اتحادیه اروپا می‌توان مشاهده کرد.

در بند دوم این گفتار در بخش دوم، فضای نوین و نقش دولت‌ها در کانون توجه و بررسی قرار

دارد. در حالی که در ابتدا در مورد جایگاه دولت‌ها در فضای نوین، تردید وجود داشت، امروزه بیش از پیش، بر اهمیت وظیفه دولت‌ها در چارچوب دادن به این فضا، در راستای دموکراسی، حقوق بشر و قانونمندی تأکید می‌شود. نه تنها دولت‌ها نباید منفعل بمانند، بلکه از آنها توقع هست که اقدامات مثبت در این جهت انجام دهند (مصوبه شورای اروپا در مورد «آزادی اینترنت»، همان).

ضرورت به‌روزر کردن قوانین قدیمی یا تدوین قانون جدید در این حوزه، وظیفه حمایت از حقوق افراد، الزام به پیگیری‌های لازم در صورت خدشه‌دار شدن حقوق یادشده، مبارزه با تروریسم یا با سوء استفاده‌های دیگر با در نظر داشتن حقوق مردم، توانمندساختن کاربران و در خدمت منافع عمومی در آوردن تکنولوژی‌های نوین از جمله وظایف و مسئولیت دولت‌ها در فضای نوین به‌شمار می‌رود («راهبری اینترنت - راهبرد شورای اروپا ۲۰۱۹-۲۰۱۶، دموکراسی، حقوق بشر و دولت قانونمند در دنیای دیجیتال).

یکی از بیشترین تأکیده‌ها در این زمینه را در کارهای شورای اروپا می‌توان مشاهده کرد. از آنجایی که این سازمان، برای اینترنت ارزش «خدمت عمومی» (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا در مورد «راهنمای حقوق بشر برای کاربران اینترنتی» ۲۰۱۴ و توصیه‌نامه همین سازمان در مورد «اقدامات جهت ارتقا ارزش خدمت عمومی اینترنت» ۲۰۰۷) قائل می‌شود، برای دولت‌ها مسئولیت‌های بی‌شمار در نظر گرفته‌است.

در بند سوم این گفتار از بخش دوم، بخش خصوصی، مورد بحث قرار می‌گیرد و از ضرورت حضور تا توجه به حقوق بشر یاد می‌شود. در این بند، بر اهمیت حضور بخش خصوصی در فضای نوین به دفعات تأکید شده است. در این میان، می‌توان از یک‌طرف به شرکت امریکایی آپکان که نقش مهم در اعطای نام‌های دامنه ایفا می‌کند و از طرف دیگر به شرکت‌هایی اشاره کرد که به ترتیب، دسترسی به اینترنت و نیز ارائه خدمات را میسر می‌سازند.

شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات یا همان پلتفرم‌ها، دسترسی به محتوا، کالاها و یا خدماتی را که خود تولید نکرده‌اند، ممکن می‌کنند و به‌عنوان واسطه، شناخته شده‌اند که از جمله می‌توان از موتورهای جستجو و یا شبکه‌های اجتماعی نام برد. در نقش مؤثر شرکت‌های ذکرشده در تحقق حقوق و آزادی‌های افراد، جای شک نیست. با این وجود، حداقل در سطح کشورهای اروپایی، سعی شده است به‌منظور تحقق هر چه بیشتر حقوق مردم، مسئولیت‌ها و الزاماتی به عهده اینها گذاشته شود. هر چند اصرار بر این است که آزادی عمل شرکت‌های یادشده، بیش از آن چیزی که لازم است، محدود نگردد؛ به‌طور نمونه، در سطح شورای اروپا از شرکت آپکان

دعوت شده حقوق بشر و حاکمیت قانون را در نظر داشته باشد (اعلامیه شورای اروپا در مورد «ایکان، حقوق بشر و دولت قانونمند»، ۲۰۱۵). در مورد آپراتورهای ارتباطات الکترونیک که شرایط دسترسی مردم به اینترنت را فراهم می‌کنند، الزام شده اصل بی‌طرفی اینترنت را رعایت کرده تا به این ترتیب در جریان ترافیک داده‌ها تبعیض ایجاد نشود (رجوع شود به آیین نامه ۲۰۱۵ اتحادیه اروپا در مورد «اینترنت باز»).

پلاتفورم‌ها، از آن جهت که به‌عنوان «واسطه‌های فعال» شناخته شده‌اند، ملزم به رعایت اصولی همچون وفاداری و شفافیت هستند. در مجموع، اصرار بر این است که بخش خصوصی حقوق بشر را رعایت کند (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا در مورد «حقوق بشر و شرکت‌های خصوصی»، ۲۰۱۶). از جمله «اصول راهبردی سازمان ملل در مورد شرکت‌های خصوصی و حقوق بشر» که مصوب سال ۲۰۱۱ است. در این خصوص به دولت‌ها توصیه شده است که بر عملکرد شرکت‌ها اعمال کنترل کنند (توصیه‌نامه کمیته وزرای شورای اروپا در مورد «حقوق بشر برای کاربران اینترنتی»، ۲۰۱۴).

در گفتار سوم از بخش دوم، درباره حقوق دیجیتال در راستای اهداف توسعه پایدار بحث می‌شود. در این گفتار در دو بند بحث‌ها دنبال می‌شوند؛ در بند یکم، بررسی تطبیقی صورت می‌گیرد و بند دوم، عناصر حقوقی سرعت‌بخش توسعه، مورد توجه‌اند. در بحث تطبیقی با بررسی روند قانونگذاری‌ها در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه دیجیتال، می‌توان گفت که قدم‌های مثبتی در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار برداشته شده‌اند. هرچند تا رسیدن به آن نقطه مطلوب، هنوز راه طولانی باقی است.

بسیاری از کشورها در قوانین داخلی، استانداردهای منطقه‌ای و بین‌المللی را در نظر داشته، مطابق با اهداف یادشده پیش رفته‌اند. حتی گاه پیش‌قدم نیز بوده‌اند که البته این موضوع، بیشتر شامل کشورهای توسعه‌یافته با سنت دیرینه دموکراسی و قانونمندی است. کشورهایی که در زمینه حقوق رسانه‌های سنتی نیز از خیلی قبل، دغدغه منافع عمومی و شهروندان را داشته‌اند و حال در زمینه تکنولوژی‌های نوین نیز منافع مردم را در اولویت قرار می‌دهند؛ از جمله می‌توان به کشور فرانسه که در بخش بعدی مورد مطالعه قرار گرفته است، اشاره کرد. به موازات این کشورها، کشورهایی هستند که به لحاظ تکنولوژی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند و عملاً گام‌هایی در راستای توسعه پایدار برداشته‌اند و تنها نیاز است قانونگذاری‌های لازم را انجام دهند که نمونه آن کشور خودمان ایران است. در نهایت، کشورهایی قرار گرفته‌اند که هنوز تکنولوژی‌های کافی را نداشته و در نتیجه، ضرورت چارچوب‌گذاری را احساس نمی‌کنند.

بررسی تطبیقی قانونگذاری‌ها در عرصه دیجیتال، این امکان را فراهم می‌آورد که بتوان به مجموعه‌ای از عناصر حقوقی دست یافت که توسعه را سرعت می‌بخشند (بند دوم) و از

مجموعه‌ای از موضوعات و عناصری یاد کرد که می‌توانند به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم در تحقق اهداف توسعه پایدار نقش داشته باشند و حتی تا جای ممکن، از آنها الگوبرداری کرد. قبلاً طی این مقاله و یا در دیگر تألیفات (معمدنژاد، ۱۳۹۵) به آنها مفصل پرداخته شده است که در اینجا به‌صورت پراکنده به آنها اشاره می‌شود. اینترنت خدمت عمومی، اصل بی‌طرفی اینترنت، آزادی اینترنت، حق دسترسی به آن، قانونمندی، حقوق بشر و دموکراسی در فضای نوین، توجه به حقوق کاربر، شهروندی اینترنتی، حمایت پیشرفته از داده‌های شخصی، توجه به افراد آسیب‌پذیر، پوشش‌دهی مناطق دوردست، تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری، تأسیس نهاد مستقل جهت حمایت از داده‌های شخصی کاربران، تأسیس نهاد مستقل در عرصه ارتباطات الکترونیک، تأکید بر وظایف دولت‌ها، تأکید بر وظایف بخش خصوصی، ارتقاء دولت شفاف و باز و فراهم‌آوردن شرایط جریان آزاد داده‌های دولتی از جمله اصول، مفاهیم و یا نکاتی هستند که توسط بعضی از قانونگذاران، مورد توجه قرار گرفته و در رسیدن به اهداف توسعه پایدار تأثیر بسزا دارند.

«جمهوری دیجیتال» نمونه‌ای از قانونگذاری در عرصه دیجیتال

در بخش سوم، این نکته بررسی می‌شود که ضرورت به‌روزکردن قوانین همسو با دگرگونی‌های تکنولوژیک از وظایف دولت‌هاست. دولت‌ها که با وجود پدیده جهانی‌شدن، کماکان دارای اختیارات وسیعی بوده (Auby, 2010: 136) و رگولاتور، نه‌تنها در زمینه روابط اجتماعی و جریان‌های اقتصادی، بلکه تضمین‌کننده حقوق بنیادی افراد و تأمین‌کننده نظم عمومی هستند (Sauve, 2015: 1). با توجه به ویژگی «خدمت عمومی» اینترنت (توصیه‌نامه شورای اروپا در این زمینه مصوب سال ۲۰۰۷) و اینکه دسترسی به آن امروزه برای انسان‌ها یک نیاز به‌شمار می‌رود، وظیفه‌ای برای دولت‌ها به‌دنبال آورده، ملزم به انجام اقدامات ضروری در این زمینه هستند.

قانونگذاری نیز از جمله اقدامات مثبت در این حوزه است و فرانسه اولین کشوری نیست که قوانینش را در راستای یادشده، نو می‌کند، اما بررسی تجربه قانونگذاری این کشور به‌دنبال تصویب قانون جمهوری دیجیتال در اکتبر سال ۲۰۱۶، به این دلیل جالب به‌نظر می‌رسد که شرایط را برای عملی کردن اهداف توسعه پایدار فراهم کرده است. این بخش سه گفتار دارد. در گفتار یکم، محورهای مهم قانون «جمهوری دیجیتال»، بررسی می‌شود. گفتار دوم بر این محور تأکید دارد که فرانسه پیشگام است یا دنباله‌رو و گفتار سوم به جمهوری دیجیتال، دولت باز و توسعه پایدار می‌پردازد.

در گفتار یکم محورهای مهم قانون «جمهوری دیجیتال» در کانون توجه است که به‌طور

بی‌سابقه ای بعد از مشورت با مردم، به تصویب رسید.^۱ مطابق با ارزش‌های جمهوری این کشور که به ترتیب «آزادی، برابری و برادری» هستند (رجوع شود به اصل ۲، بند ۴، قانون اساسی کنونی این کشور مصوب ۱۹۵۸)، حول سه محور که قبلاً در «راهبرد دیجیتال دولت»^۲ پیش‌بینی شده بودند، تدوین شد.^۳

این محورها به ترتیب معرفی می‌شوند. قبل از آن اضافه می‌شود که قانونگذار در جهت تحقق هر چه بهتر اهداف در نظر گرفته‌شده، اختیارات مقامات مستقل اداری را که از قبل وجود داشتند؛^۴ همچون کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها^۵ که حمایت‌کننده داده‌های شخصی افراد است، مقام رگولاتور ارتباطات الکترونیک و پست^۶ و کمیسیون دسترسی به اسناد اداری^۷ را افزایش می‌دهد. مقاماتی که نقش رگولاتوری ایفا کرده‌اند، در دل دولت «جزیره‌گونه» دارای استقلال هستند و هم به لحاظ ترکیب و هم به لحاظ اختیارات، ایفای نقش می‌کنند (Chevallier, 2014: 86). این سه محور، به اختصار از این قرارند:

اولین محور: جریان آزاد داده‌های عمومی و دانش

برداشتن موانع بر سر جریان آزاد داده‌های عمومی و دانش نه تنها موجب شفافیت دولت از یک طرف و تحقق حق بر اطلاعات مردم از طرفی دیگر می‌شود، بلکه آثار مثبتی همچون نوآوری و رشد اقتصاد دیجیتال را به دنبال می‌آورد. در این خصوص موضوعات زیر در نظر گرفته شده‌اند:

- بازشدن داده‌های عمومی^۸: این فرایند قبلاً نیز به صورت محدودتری انجام گرفته بود، به این ترتیب که شهروندان باید به ادارات و سازمان‌های دولتی، درخواستی در این باره ارائه می‌دادند. بازبودن داده‌های عمومی استثناً تلقی می‌شد، در حالی که به دنبال پیش‌بینی‌های جدید، به صورت یک اصل در آمده است که از این پس ادارات، سازمان‌ها و بعضی ارگان‌های خصوصی - که اداره خدمت عمومی را عهده‌دار شده‌اند (از جمله در زمینه حمل و نقل) و به موجب قانون، قاعده فوق شاملشان شده - الزام به علنی کردن داده‌ها دارند، که آن دسته از داده‌هایی که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و یا زیست‌محیطی حائز اهمیت بوده، مورد توجه بیشتری

۱- این مشورت به مدت چند ماه از اکتبر ۲۰۱۴ تا اوایل ۲۰۱۵ انجام گرفت؛ به طوری که از همکاری در ساخت قانون صحبت به میان آورده شده است (Co-Construction).

2- La Strategie Numerique du Gouvernement

۳- باید در نظر داشت که در تاریخی که این مقاله نگاشته می‌شود، آیین‌نامه‌های ضروری هنوز تدوین نشده‌اند.

4- Autorites Administratives Independantes

5- La Cnil

6- ARCEP

7- CADA

8- Open Data, Ouverture Des Donnees Publiques

هستند. در این زمینه، الزاماتی نیز برای تقسیمات کشوری پیش‌بینی شده که قرار است در آینده، وسعت بیشتری پیدا کند. در دسترس قراردادن داده‌ها باید با رعایت بعضی نکات؛ از جمله رعایت زندگی خصوصی افراد و حقوق مالکیت صنعتی انجام پذیرد. در اینجاست که نقش دو نهاد یادشده کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها و همچنین کمیسیون دسترسی به اسناد اداری، تقویت شده است.

- تأسیس سازمانی تحت عنوان «خدمت عمومی داده»^۱: به‌موجب پیش‌بینی قانون، رسالت جدیدی با وجه خدمت عمومی برای دولت به‌منظور سهولت‌بخشیدن به استفاده مجدد از داده‌ها، توسط ارگان‌ها، انجمن‌ها، محققین و... و تضمین کیفیت آنها در نظر گرفته شده است.

- دسترسی آزاد به تحقیقات انجام‌گرفته با کمک دولت: نتایج تحقیقاتی که بیش از ۵۰ درصد آنها توسط دولت تأمین مالی شده باشد، بعد از مدت شش تا دوازده ماه، می‌توانند توسط مؤلفان در دسترس عمومی قرار بگیرند. همچنین، امکان انجام تحقیقات از طریق جستجو در داده‌های عمومی، تحت شرایطی مجاز شده است.

- تبادل داده‌ها میان ادارات و سازمان‌های دولتی: در حالی که در گذشته، چنین تبادلی با سختی و به‌دنبال تشریفات زیاد انجام‌پذیر بوده، با تصویب قانون جدید، با سهولت ممکن شده است.

دومین محور: تقویت حقوق افراد و حمایت بیشتر از آنها در جامعه دیجیتال

فضای دیجیتال مورد نظر قانونگذار، فضایی باز است که در عین حال، زندگی خصوصی افراد را مورد احترام قرار می‌دهد. اصول متعددی به تقویت حقوق کاربران و حمایت از آنها پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به‌ترتیب زیر آنها را بر شمرد:

- اصل بی‌طرفی اینترنت^۲: به موجب این اصل، اپراتورهایی که موجبات دسترسی افراد و شرکت‌ها را به اینترنت فراهم می‌آورند، باید بدون تبعیض عمل کنند.

- حق بازپس‌گیری داده‌ها و انتقال آنها^۳: از این پس، کاربران خواهند توانست داده‌های خود را از ارائه‌کنندگان خدمات (به‌طور نمونه شبکه‌های اجتماعی)، پس گرفته و آنها را به ارائه‌کننده جدیدی انتقال دهند.

- حق بر فراموشی دیجیتال برای کودک^۴: به‌صورت خاص، مورد توجه قرار گرفته تا در صورت لزوم، کودک بتواند تقاضای پاک کردن داده‌هایش را از موتورهای جستجو داشته باشد.

1- Service Public De La Donnee (SPD)

2- Principe de Neutralite

3- Le Droit a La Portabilite

4- le Droit a L'oubli Numerique

- حق بر مرگ دیجیتال^۱: به‌موجب آن هر فردی قادر خواهد بود همانند آنچه در مورد وصیت آمده، برای سرنوشت اطلاعات و داده‌های شخصی خود - که برخط^۲ منتشر شده - پس از فوت، تصمیم‌گیری کند.

- قاعده سِری بودن مکاتبات خصوصی^۳: همچون اصل سِری بودن نامه‌های پستی اشخاص، مورد تأکید قرار گرفته است، که شامل نامه الکترونیکی و دیگر خدمات مکاتباتی خصوصی در فضای نوین می‌شود.

- سخت‌گیری بیشتر برای افرادی که مبادرت به «انتقام پورنوگرافیک» می‌کنند^۴ در نظر گرفته شده است.

- به‌منظور حمایت هر چه بیشتر از حقوق کاربران (به‌عنوان مصرف‌کننده)، ارائه‌کنندگان خدمات یا همان «پلتفورم‌ها» - که واسطه‌های فعال به‌شمار می‌روند - ملزم به رعایت اصولی همچون وفاداری، دقت و شفافیت شده‌اند. همچنین، سایت‌هایی که در مورد خدمات ارائه‌شده توسط افراد و یا شرکت‌ها «نظر» می‌دهند، موظف شده‌اند کنترل‌های لازم را در این خصوص انجام دهند.

همان‌طور که ملاحظه شد، در مجموع، تلاش در جهت توانمند کردن کاربران بوده؛ از یک‌سو حق دسترسی به اینترنت^۵ به‌صورت غیر مستقیم با توجه به اصل بی‌طرفی که از آن یاد شد، در نظر گرفته شده است، از سوی دیگر، حق تعیین سرنوشت برای اطلاعات و داده‌های شخصی^۶ و یا همان حق تسلط بر داده‌های دیجیتال شخصی نیز تقویت شده است، اما کاربران، مصرف‌کننده نیز بوده‌اند و در نتیجه، از این زاویه نیز مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

سومین محور: دسترسی دیجیتالی برای همه

تلاش قانونگذار بر محرومیت‌زدایی بوده است؛ به‌صورتی که هیچ‌کدام از تقسیمات کشوری و هیچ‌یک از افراد آسیب‌پذیر یا معلول، از جامعه دیجیتال و مزایای آن محروم نمانند. سرعت‌بخشیدن در ایجاد پوشش دیجیتال کشور از جمله از طریق فیبرنوری، به رسمیت

1- Droit a La Mort Numerique

2- online

3- Confidentialite des Correspondances Electroniques

۴- مجازات ۲ سال زندان و پرداخت ۶۰ هزار یورو برای ارتکاب «Revenge Porn».

۵- حق دسترسی به اینترنت، اولین بار توسط دیوان عالی فدرال امریکا در سال ۱۹۹۷ و سپس توسط شورای قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۹ به رسمیت شناخته شد.

۶- حق تعیین سرنوشت برای اطلاعات و داده‌های شخصی برای افراد در سال ۱۹۸۳ توسط دیوان عالی فدرال آلمان به رسمیت شناخته شد.

(Droit a L'autodetermination informationnelle)

شناختن «حق بر فیبر»^۱ برای فرد مستأجر یا مالک آپارتمانی - به نحوی که بتواند تقاضای اتصال به شبکه فیبرنوری را بکند -، افزایش اختیارات مقام رگولاتور ارتباطات الکترونیک و پُست^۲، پیش‌بینی مجازات سنگین‌تر برای اپراتورهایی که در جهت انجام پوشش یادشده، تعلل می‌ورزند، از جمله اقدامات تقنینی برای مجهز کردن کشور به تکنولوژی دیجیتال و اینترنت پر سرعت به‌شمار می‌روند. همچنین، برای افراد معلول، تمهیداتی اتخاذ شده است تا بتوانند با سهولت بیشتر به تکنولوژی دسترسی داشته باشند و در آخر برای افراد کم‌درآمد، این امکان در نظر گرفته شده است تا در صورت عدم پرداخت قبض بتوانند به‌صورت موقت به اینترنت متصل بمانند^۳ تا اینکه پاسخی از مسئولین محلی جهت ارائه کمک داده شود. شرکت ارائه‌کننده دسترسی به اینترنت موظف شده تا آن موعد، اتصال را حفظ کند.

در گفتار دوم از بخش سوم، از فرانسه به‌عنوان پیشگام یا دنباله‌رو یاد می‌گردد. با رجوع به تاریخ، مشاهده می‌شود که کشور فرانسه در زمینه‌های متعدد و به‌صورت خاص در حوزه حقوق، پیشگام بوده است. به‌طور نمونه، در زمینه حقوق بشر، اعلامیه معروف حقوق بشر و شهروند انقلاب کبیر را در سال ۱۷۸۹ و یا قانون معروف مربوط به آزادی مطبوعات را در ۲۹ ژوئیه سال ۱۸۸۱ به‌تصویب می‌رساند. در زمینه حقوق تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و نیز حداقل در ابتدا در سال‌های ۱۹۷۰ که موضوع حقوق انفورماتیک مورد استفاده سازمان‌ها و ادارات قرار می‌گیرد، قانونگذار فرانسوی، به‌منظور حمایت از داده‌های شخصی افراد به تکاپو افتاده و حداقل در سطح منطقه اروپا اولین قانون در این حوزه را در ۶ ژانویه ۱۹۷۸، تحت عنوان «انفورماتیک و آزادی‌ها» به‌تصویب می‌رساند و در راستای حمایت هرچه بیشتر از داده‌های شخصی، مقام رگولاتور مستقل نیز در این زمینه تأسیس می‌کند. گفته می‌شود شورای اروپا و اتحادیه اروپا در این خصوص، از کشور فرانسه الهام گرفتند و به‌ترتیب؛ کنوانسیون ۲۸ ژانویه ۱۹۸۱ و دستورالعمل ۲۴ اکتبر ۱۹۹۵ را به‌منظور حمایت از داده‌های شخصی تدارک دیدند که البته این هنگامی است که رفته‌رفته، اینترنت هم وارد بازار می‌شود. اضافه می‌شود که فرانسه عضو هر دو سازمان منطقه‌ای یادشده است. شورای اروپا شامل ۴۷ دولت عضو، بیشتر رسالت حقوق بشری داشته، در حالی که اتحادیه اروپا دارای ۲۸ دولت عضو، بیشتر اهداف اقتصادی دارد. به‌نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، اتحادیه اروپا در چارچوب‌گذاری برای فضای نوین، سبقت گرفته، مصوبات متعددی در این عرصه تدارک دیده و در مجموع، بسیار فعال عمل کرده است. برای نمونه، این نهاد در سال ۲۰۱۶ آیین‌نامه جدیدی در زمینه

1- Droit a La Fibre

2- ARCEP

3- Droit Au Maintien De La Connexion internet

حمایت از داده‌های شخصی به تصویب رساند که جایگزین دستورالعمل فوق‌الذکر ۱۹۹۵ شد و البته قرار است تنها در سال ۲۰۱۸ به اجرا گذاشته شود. در سال ۲۰۱۵ نیز آیین‌نامه جدیدی تحت عنوان «اینترنت باز»^۱ به تصویب رساند.

فرانسه نیز برای اینکه از قافله عقب نمانده باشد، قانون «جمهوری دیجیتال» را به تصویب رساند. بی‌دلیل نیست که صحبت از «گفتگوی غنی» میان حقوق اروپا و حقوق داخلی دولت‌های عضو می‌شود (Geffray, 2016: 9).

جمهوری دیجیتال، دولت باز و توسعه پایدار در گفتار سوم به این نکته می‌پردازد که قانون جمهوری دیجیتال، عملی کردن فرایند دولت باز را نیز فراهم کرده که این مسئله، گذشته از عناصری که قبلاً ذکر شد، نقش مهمی در راستای تحقق اهداف برنامه توسعه پایدار دارد. باید گفت که فرانسه به تازگی (در سال ۲۰۱۴) عضو سازمان همکاری در زمینه دولت باز شده است (گزارش سالیانه شورای دولتی فرانسه: «دیجیتال و حقوق بنیادی» ۲۰۱۴).

مفهوم دولت باز در سال ۲۰۰۹ در امریکا شکل گرفت؛ یعنی هنگامی که رئیس‌جمهور تازه منتخب مردم (باراک اوباما)، پیشنهادی در این مورد ارائه داد و از دولت و آژانس‌های وابسته به آن دعوت به عمل آورد که با شهروندان، ارتباط شفاف‌تری برقرار سازند. در سال ۲۰۱۱، هشت کشور پایه‌گذاری یک همکاری را در این زمینه آغاز کردند. امروزه، گذشته از ۶۹ کشور عضو، نماینده‌های جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی نیز به این مجموعه ملحق شده‌اند. هر یک از کشورهای عضو، برنامه عملی برای انجام اهداف این سازمان تدارک می‌بینند؛ از جمله رسالت‌های این سازمان، همکاری برای ارتقاء شفافیت عملکرد دولت‌ها، مبارزه با فساد، به‌کارگرفتن تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات برای تقویت حکومت باز، نوآوری و پیشرفت، مشارکت دادن شهروندان در امور عمومی (از جمله در تدوین قوانین)، در دسترس گذاشتن منابع دیجیتال (از جمله آسان کردن دسترسی به مصوبات حقوقی، آمار دولتی، شفاف‌سازی مخارج دولتی) است. از ۷ تا ۹ دسامبر ۲۰۱۶ نیز اجلاس جهانی سازمان یادشده، به ریاست فرانسه در شهر پاریس برگزار شد.

نتیجه‌گیری:

تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات می‌توانند نقش مهمی در تحقق اهداف توسعه پایدار - که در سال ۲۰۱۵ توسط سازمان ملل متحد در چشم‌انداز سال ۲۰۳۰ تعیین گردیده است- ایفا کنند. به این ترتیب، انقلاب دیجیتال، قادر است راه‌حلی برای مشکلات جهانی به‌همراه بیاورد، اما برای اینکه بتوان از توانایی تکنولوژی‌های یادشده، به نفع جامعه، اقتصاد و

محیط‌زیست برخوردار شد، نیاز به قوانین مناسب وجود دارد؛ قوانینی که مطابق با استانداردها و ارزش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، موانع موجود از جمله دسترسی شهروندان به اینترنت پر سرعت و به خدمات و کالاها را از میان بردارند و همچنین در بهره‌گیری بخش خصوصی و شرکت‌ها از ابزار نوین، شرایط مناسب را با ایجاد تعادل میان منافع متضاد، برای جامعه اطلاعاتی انسان‌محور همه‌گیر و توسعه مدار، فراهم نمایند.

در امر قانونگذاری برای بهره‌گیری از فن‌آوری‌های دیجیتال، کشورهای توسعه‌یافته اروپایی، در سال‌های اخیر، فعالیت‌های مستمری داشته‌اند. شورای اروپا بیشتر به جنبه‌های حقوق بشری موضوع پرداخته، در حالی که اتحادیه اروپا ایجاد «بازار مشترک دیجیتال» در سطح ۲۸ کشور عضو را پیگیری کرده و به این نقطه رسیده است که برای رونق‌دادن به فعالیت‌های اقتصادی در فضای نوین، می‌بایست قبلاً اعتماد کاربران را جلب کند و از همین رو، به حمایت قوی‌تر از زندگی خصوصی و به‌خصوص داده‌های شخصی آنها مبادرت کرده و حتی فراتر رفته و به آنها این امکان را داده که از این پس، بر سرنوشت داده‌هایشان تسلط بیشتری داشته باشند.

شکل‌دادن به اقتصادی مبتنی بر داده‌ها، باز و شکوفا که در عین حال هنجارهای مربوط به حمایت از داده‌های شخصی را مورد توجه قرار می‌دهد، از اهداف اتحادیه به‌شمار می‌رود. کشور فرانسه که عضو هر دو سازمان یادشده است، با تصویب قانون جمهوری دیجیتال سعی کرده که مفهوم جمهوریت را در فضای نوین اعمال کند و به‌همین منظور، سه عنصر آزادی نوآوری؛ برابری حقوق کاربران؛ و ضرورت برادری را به‌عنوان خط مشی در نظر گرفته است.

جمهوری دیجیتال باز و همه‌گیر، فضایی است همراه با اعتماد و امنیت، تضمین‌کننده حقوق کاربران و حامی داده‌های شخصی، به‌وجودآورنده فرصت‌ها و مزایای جدید برای همگان که در آن داده‌ها، اطلاعات عمومی و دانش، آزادانه جریان دارند و این خود می‌تواند در رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد.

بعد از اینکه قانونگذار، چارچوب‌های اصلی را برای ایجاد جامعه اطلاعاتی توسعه‌محور در نظر می‌گیرد، نهادهای دیگری وارد عمل می‌شوند و به نظارت‌های ضروری می‌پردازند. «مقامات اداری مستقل» نقش رگولاتوری ایفا می‌کنند و به‌صورت روزمره، میان حقوق بنیادی افراد از یک طرف و نوآوری از طرف دیگر، ایجاد تعادل می‌کنند. در عصر دیجیتال، مقررات‌گذاری باید به‌صورت مستمر خود را با تحول تکنولوژی منطبق سازد (Geffray, 2016: 12). در نهایت، نقش قضات نیز در ایجاد قانونمندی‌های لازم می‌تواند بسیار اثرگذار باشد (معمدندزاد، ۱۳۹۵: ۵۵). در دولت‌های مردمی، تمامی نهادها و به‌خصوص قانونگذار، مقامات اداری مستقل و قضات بر وجه خدمت عمومی تکنولوژی‌های دیجیتال تأکید دارند و آنها را در خدمت منافع عمومی قرار می‌دهند.

منابع

- معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۹۵)، حقوق جهانی ارتباطات، از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، صص ۱۱۰ ص.
- معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۹۵)، «حقوق جهانی ارتباطات و دغدغه بشری»، مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری حقوق ارتباطات و رسانه‌ها در ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اعلامیه اصول ژنو، (۲۰۰۳)، اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی.
- ده سال بعد از اجلاس جهانی سران در مورد جامعه اطلاعاتی، Wsis + 10، اعلامیه نهایی
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۲)، اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی: ژنو ۲۰۰۳- تونس ۲۰۰۵، جلد یکم، تهران، مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۹۱)، «حقوق تطبیقی ارتباطات»، فصلنامه علوم خبری، شماره ۳، صص ۵۴-۹.
- معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۹۳)، «حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات»، جزوه درسی کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- معتمدنژاد، رؤیا، (۱۳۹۰)، «نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پیشبرد جهانی حقوق ارتباطات: بررسی تجربیات شورای اروپا»، مجله حقوق و سیاست، شماره ۳۵، صص ۷۹-۱۱۰.
- معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۳)، «یونسکو و سیاست گذاری ملی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه رسانه، سال پانزدهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۵۸، صص ۳۹-۵.
- معتمدنژاد کاظم، (۱۳۷۴)، «دگرگونی سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی یونسکو: استراتژی نوین ارتباطی، به‌جای نظم نوین جهانی ارتباطات و اطلاعات با توجه خاص به پیشبرد وسایل ارتباطی آزاد، مستقل و کثرت‌گرا و پشتیبانی مجدد از جریان آزاد اطلاعات»، فصلنامه رسانه، سال ششم، شماره ۴، صص ۲-۱۵.
- “a France dans La transformation numerique: quelle protection des droits fondamentaux?” , Colloque organise par Le Conseil d’Etat, 6 fevrier 2015, Introduction de Sauve (J.- M.), 7pp.
- “ Le Large bande au Service du developpement durable” , theme retenu par L’UIT Pour L’edition 2014 de La Journee Mondiale des Telecommunications et de La Societe de L’informaton (“Broadband for Sustainble Developmenz”).
- “Le numerique et les droits fondamentaux”, (2014), Conseil d’Etat, Etude annuelle.

- Auby (J.-B.), (2010), La Globalisation, Le droit et L'Etat , paris, L.G.D.J., Lextenso editions, 2eme ed.
- Chevallier (J.), (2014), L'Etat Post-Moderne,. Paris, L.G.D.J., 4eme ed.
- Commissaire aux droits de L' Homme, (2014), Conseil de L'Europe, "La Preeminence du droit sur L'internet et dans Le monde numerique en general ", document Thematique.
- Conseil de L'Europe, (2009), Conference: "Liberte d expression et democratie a L' age numerique. Opportunités, droits, responsabilites", Belgrade (Serbie).
- Mansell (R.), Tremblay (G.), (2013), Renouveler la Uision des Societes du Savoir Pour la Paix et le developpement durable, Unesco, 65pp.
- Unesco, Conference, (3-4 mars 2015), "Interconnecter Les ensembles: Options pour L'action Future."
- Geffray (E.), (2016), Droits Fondamentaux et innovation: quelle Regulation a L'ere Numerique? Les Nouveaux Cahiers du Conseil Constitutionnel, N3, pp.5-16.
- Verger (D.), (2015), "2015: Une Anne'e Historique Pour Le Developpement", Etu des, N12.pp.19-29.

مصوبات، رویه قضایی، گزارش‌ها، نشانی‌های اینترنتی:

- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «آزادی اینترنت»، ۲۰۱۶.
- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «آزادی اینترنت شهروندان»، ۲۰۱۶.
- اعلامیه شورای اروپا «آیکان، حقوق بشر و دولت قانونمند»، ۲۰۱۵.
- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «اصول راهنمای حقوق بشری برای کاربران اینترنتی»، ۲۰۱۴.
- توصیه‌نامه شورای اروپا؛ «اقدامات در جهت ارتقا ارزش خدمت عمومی اینترنت»، ۲۰۰۷.
- آیین‌نامه اتحادیه اروپا، «اینترنت باز»، ۲۰۱۵.
- آیین‌نامه اتحادیه اروپا، «حمایت از داده‌های شخصی»، ۲۰۱۶.
- آراء قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه تکنولوژی‌های نوین.
- آراء قضایی دادگاه اتحادیه اروپا در زمینه تکنولوژی‌های نوین.
- قانون جمهوری دیجیتال، فرانسه اکتبر ۲۰۱۶.